

۱۰۰۰ نکته باریکتر ز مو اینجا است

محمد فولادی



۱. پیراهن با برکت

در سه مقطع تاریخی، سه ابتکار از پیراهن حضرت یوسف علیه السلام دیده شد که همه حکایت از برکت آن پیراهن حضرت داشت:

الف. رسوایی برادران:

وقتی برادران یوسف علیه السلام، گریه‌کنان پیراهن آغشته به خون وی را به حضور حضرت یعقوب آوردند؛ [وجاؤا أباهم عشاءً یبکون] یوسف: ۱۶ شکل پیراهن نشان داد که برادرها دروغ می‌گویند؛ [وجاؤا علی قمیصه بدم کذب] [یوسف: ۱۸] زیرا اگر کرک کسی را بدرد، پیراهن وی سالم نمی‌ماند.

ب. رسوایی تهمت زنان

وقتی همسر عزیز مصر، یوسف علیه السلام را تعقیب کرد و پیراهنش را از پشت پاره کرد و عزیز مصر را نزدیک در دید، در این هنگام یوسف علیه السلام را متهم کرد و گفت: [هی راودتني عن نفسي] [یوسف: ۲۶]؛ حکیمی گفت برای اثبات صحت ادعای همسر عزیز مصر، بررسی کنید ببینید که پیراهن یوسف از پشت پاره شده و یا از جلو. اگر از جلو پاره شده، معلوم می‌شود که یوسف قصد تجاوز داشته و همسر عزیز مصر برای دفاع از خود پیراهن وی را پاره کرده است. اما اگر پیراهن یوسف از پشت سر پاره شده است، معلوم می‌شود یوسف خواسته از او بگیرزد تا از حمله آن زن محفوظ بماند و آن زن از پشت سر پیراهن او را پاره کرده است. [یوسف: ۲۷]

ج. شفای چشم پدر

یعقوب نبی علیه السلام از فراق یوسف علیه السلام سال‌ها گریست و سرانجام، بینایی خود را از دست داد. وقتی پس از سال‌ها، وصال حاصل شد، و یوسف علیه السلام فهمید که پدر در فراغ فرزند نابینا شده است فرمود: [اذهبوا بقمیصی هذا فאלقوه علی وجهه ابی یأت بصیراً] یعنی پیراهن مرا به چشم نابینای پدرم بمالید تا بینایی خود را به دست آورد.

۲. پیامبر رحمت، در همه حال، محبوب خدا

در جای جای قرآن، خداوند متعال با حبیب خود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم سخن می‌گوید: رازش به او می‌گوید، سوگند به جانش می‌خورد، حدیث او بسیار می‌گوید، در حضر و سفر، در خواب و بیداری او را حفظ می‌کند. - در همه احوال رضای پیامبر اکرم را خواست [طه: ۳۰] - در

خواب به او وحی کرد [مدثر: ۱ و مزمل: ۱]

- به جان او سوگند یاد کرد [حجر: ۷۲] - همواره او را شکایت کرد [زمر: ۳۶]

- به شهر او سوگند یاد کرد [بلد: ۱]

- از کودکی او یاد می‌کند [ضحی: ۶]

- در تغییر قبله، رضای او جست [بقره: ۱۲۴] - از اخلاق او به عظمت یاد می‌کند [قلم: ۲]

- در شفاعت امت رضای وی طلب کرد [ضحی: ۵] - از وحی او ستایش و تمجید می‌کند [مائده: ۵]

- در شب معراج نیز به او وحی شد [نجم: ۱۰] - عزّت او را در ردیف عزّت خود می‌داند [منافقون: ۵]

- به خانواده او توصیه‌ای خاص دارد [احزاب: ۳۲]

۳. حسن ظن یا سوء ظن

حسن ظن و سوء ظن هر یک انواعی است:

الف. حسن ظن بر سه قسم است:

الف. حسن ظن به خود و خویشان ممنوع است چون حدیث شریف می‌فرماید: من رضی عن نفسه کثر الساکطون علیه ^(۱)
ب. حسن ظن به مردم بسته به شرایط گاهی مذموم و گاهی مذموم است.

ج. حسن ظن به خدا لازم و ضروری است «من حسن ظنه بالله ناز بالجنة» ^(۲) «انا عند حسن ظن عبدی المؤمن» ^(۳)

ب. سوء ظن بر سه قسم است:

الف. سوء ظن به خویشان در صورت عدم افراط موجب تکامل آدمی است. مولی علی علیه السلام می‌فرماید: فهم لانفسهم متهمون و من اعمالهم مشفقون اذا زکی احدهم خاف مما یقال له ^(۴)

ب. سوء ظن به مردم ممنوع است: یا ایها الذین آمنوا اجتنبوا كثيراً من الظن (حجرات: ۱۲)

ج. سوء ظن به خدا یعنی ناامیدی از رحمت خدا ممنوع است: لا یتأسوا من روح الله انه لا یأس من روح الله الا القوم الکافرون (یوسف: ۸۷)

پی نوشت‌ها

- ۱- بحار، ج ۷۲، ص ۳۱۶
- ۲- غررالحکم
- ۳- بحار، ج ۷۰، ص ۳۸۵
- ۴- نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳